

فهرست عناوین  
فصل اول - کلیات پژوهش

بیان مسئله.....	۷
اهداف و ضرورت پژوهش.....	۹
سئوالهای پژوهش.....	۹
سؤال اصلی.....	۹
سئوالهای فرعی.....	۹
فرضیه اصلی.....	۱۰
پیشینه ادبیات پژوهش.....	۱۰
تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی پژوهش.....	۱۲
دیپلماسی عمومی.....	۱۲
آسیای مرکزی.....	۱۲
سازماندهی تحقیق.....	۱۲

فصل دوم - چارچوب نظری: دیپلماسی عمومی و قدرت نرم

مقدمه.....	۱۵
۱. دیپلماسی.....	۱۵
۲. دیپلماسی عمومی.....	۱۶
۲-۱. تعریف دیپلماسی عمومی.....	۱۹
۲-۲. تفاوت دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی.....	۲۱
۲-۳. مخاطبان دیپلماسی عمومی.....	۲۲
۲-۴. بازیگران دیپلماسی عمومی.....	۲۲

۲۳	.....۲-۵. اهمیت دیپلماسی عمومی
۲۴	.....۲-۶. ابزارهای دیپلماسی عمومی
۲۵	.....۲-۶-۱. شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ها
۲۵	.....۲-۶-۲. برند (سمبل‌سازی) ملی
۲۶	.....۲-۷. ابعاد دیپلماسی عمومی
۲۷	.....۲-۸. اهداف دیپلماسی عمومی
۲۹	.....۳. قدرت نرم
۳۱	.....۳-۱. منابع قدرت نرم
۳۳	.....۳-۲. ویژگیهای قدرت نرم
۳۴	.....۳-۳. قدرت نرم از دیدگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل
۳۵	.....۴. رابطه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی
۳۸	..... خلاصه فصل

#### فصل سوم- دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۴۱	.....۱. دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی
۴۴	.....۲. جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۴۵	.....۲-۱. منابع قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران
۴۶	.....۲-۱-۱. تمدن و فرهنگ
۴۶	.....۲-۱-۲. اسلام و شیعه
۴۷	.....۲-۱-۳. اقتصاد
۴۸	.....۲-۱-۴. رفتار سیاسی
۴۹	.....۲-۲. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در عمل
۵۰	.....۲-۲-۱. فعالیتهای رسانه‌ای
۵۱	.....۲-۲-۲. فعالیتهای آموزشی و جذب دانشجویان در ایران

۲-۳. استفاده از دیپلماسی عمومی در دوره اصولگرایی ..... ۵۲

خلاصه فصل ..... ۵۷

### فصل چهارم- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

مقدمه ..... ۵۹

۱. منطقه آسیای مرکزی ..... ۶۰

۲. جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ..... ۶۲

۱-۱. سطح بین‌المللی ..... ۶۲

۱-۲. سطح منطقه‌ای ..... ۶۳

۱-۳. سطح روابط دوجانبه ..... ۶۳

۳. بسترها و موانع همکاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ..... ۶۵

۳-۱. بسترهای همکاری ..... ۶۵

۳-۱-۱. حوزه سیاسی ..... ۶۵

۳-۱-۲. حوزه امنیتی ..... ۶۶

۳-۱-۳. حوزه اقتصادی ..... ۶۸

۳-۱-۴. حوزه فرهنگی ..... ۷۰

۳-۲. موانع همکاری ..... ۷۲

۳-۲-۱. حوزه سیاسی الف) تفاوت در ماهیت نظام‌های سیاسی ..... ۷۲

ب) ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت ..... ۷۳

ج) فقدان تجربه و بی‌ثباتی در سیاست خارجی ..... ۷۳

د) اختلافات و رقابت‌های درون منطقه‌ای ..... ۷۴

و) دخالت بازیگران منطقه‌ای ..... ۷۴

• روسیه ..... ۷۴

• جمهوری خلق چین ..... ۷۵

۷۶	..... (ه) حضور بازیگران فرامنطقه‌ای
۷۶	..... • ایالات متحده آمریکا
۷۶	..... • اتحادیه اروپا
۷۷	..... • ترکیه
۷۸	..... ۳-۲-۲. حوزه امنیتی
۸۰	..... ۳-۲-۳. حوزه اقتصادی
۸۱	..... ۳-۲-۴. حوزه فرهنگی
۸۲	..... ۴. ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی
۸۷	..... خلاصه فصل

#### فصل پنجم-دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

۸۹	..... مقدمه
۹۰	..... ۱. ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی
۹۰	..... ۱-۱. ظرفیت‌های علمی و فرهنگی
۹۳	..... ۱-۲. ظرفیت پیوندهای دینی
۹۶	..... ۱-۳. ظرفیت پیوندهای تاریخی
۹۹	..... ۱-۴. ظرفیت پیوندهای زبانی
۱۰۰	..... ۱-۵. ظرفیت قرابت جغرافیایی
۱۰۱	..... ۱-۶. امتیاز حضور ایرانیان مقیم
۱۰۱	..... ۱-۷. پیوندهای قومی و نژادی
۱۰۴	..... ۲. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی
۱۰۸	..... ۲-۱. دیپلماسی نوروز
۱۰۹	..... ۲-۲. گسترش و تقویت جایگاه زبان فارسی
۱۱۰	..... ۲-۳. نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی

۲-۴. راهکارهای تقویت دیپلماسی عمومی ایران در منطقه آسیای مرکزی..... ۱۱۲

نتیجه گیری..... ۱۱۷

منابع و مآخذ..... ۱۲۲

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## بیان مسئله

اگر چه مسئله تاثیر افکار عمومی بر سیاستگذاری مسئله تازه‌ای نیست، اما در دوران کنونی این عامل بیش از پیش اهمیت یافته است به گونه‌ای که در برخی از کشورها در ارگان‌های دولتی و تصمیم‌گیر، نهادهایی برای سازماندهی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی ایجاد شده است. از این رو، با توجه به اهمیت افکار عمومی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی یک کشور، دیگر صرف تمرکز بر دیپلماسی سنتی نمی‌تواند در کسب اهداف و منافع آن موثر باشد. در واقع، تحولات نظام بین‌الملل و روندهای جدید جهانی، دیپلماسی را نیز متحول کرده است. به گونه‌ای که در کنار دیپلماسی سنتی که از دیرباز وجود داشته است، امروزه اشکال جدید دیپلماسی، به ویژه دیپلماسی عمومی در راستای تحقق منافع ملی کشورها به کار می‌رود. دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده که هدف از آن استقرار و استمرار روابط طولانی مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر است. همچنین دیپلماسی عمومی در خدمت منافع ملی یک کشور است و عمدتاً در تلاش است تا فهم از کشور را افزایش دهد و حامیان بیشتری را برای دیدگاه‌های این کشور فراهم آورد.

در رابطه با دیپلماسی عمومی، توجه به مفهومی همچون قدرت نرم بسیار حائز اهمیت است. این دو مفهوم ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارند. در واقع، دیپلماسی عمومی از منابع و امکانات قدرت نرم بهره می‌گیرد. قدرت نرم توانایی به دست آوردن آنچه مورد نظر است از طریق جذابیت و نه اجبار و تهدید یا تطمیع و رشوه تعریف می‌شود. در واقع، مفهوم قدرت نرم به معنی توانایی نفوذ و تاثیرگذاری در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب تلقی می‌شود و راه‌های مهم آن برای تاثیرگذاری شامل متقاعد کردن از طریق جذابیت است. در این رابطه، فرهنگ، ارزش‌های بنیادین و سیاست‌ها منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند. بر این اساس، به نظر می‌رسد قدرت نرم به مثابه منبعی برای دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود که با طراحی و اجرای مناسب، دیپلماسی عمومی می‌تواند از این منبع بهره ببرد. برخورداری از منابع قدرت نرم به خودی خود به معنای برخورداری از دیپلماسی عمومی نیست، بلکه چگونگی استفاده از این منابع برای دستیابی به اهداف مورد نظر دیپلماسی عمومی تلقی می‌شود.

امروزه می‌توان مشاهده کرد که اغلب کشورها با توانایی‌ها و اهداف متفاوت به دنبال استفاده از دیپلماسی عمومی در کنار دیگر اشکال دیپلماسی هستند و موفقیت‌هایی نیز در این زمینه بدست آورده‌اند. در واقع، هر کشوری به تناسب توانایی‌ها و قابلیت‌های خود در این عرصه دارای برنامه‌ریزی و استفاده از فرصت‌هایی در قالب دیپلماسی عمومی است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر کشورها با درک اهمیت دیپلماسی عمومی در برآوردن اهداف سیاست خارجی، سعی در به کارگیری این مولفه در سیاستگذاری خارجی خود دارد. اگر چه به جرات می‌توان گفت که نقش و جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران هنوز جایگاه و منزلت واقعی خود را به دست نیاورده است. به هر حال، اهمیت و به کارگیری دیپلماسی عمومی ایران در منطقه و جهان به حدی است که می‌تواند به کاهش تاثیرات تبلیغات منفی برخی از کشورها و رسانه‌ها که در سال‌های اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده است، کمک شایانی کند.

آسیای مرکزی به عنوان مطالعه موردی این پژوهش منطقه‌ای است که پس از فروپاشی شوروی به پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان تقسیم شد. این کشورها نه تنها از لحاظ جغرافیایی و ژئوپلتیک سیاسی نزدیکی زیادی با ایران دارند، بلکه از جنبه تاریخی-فرهنگی و از دیدگاه ژئوکالچرالی نیز بیش از هر منطقه‌ای از جهان با تاریخ و فرهنگ ایران همبستگی دارد. از دیدگاه تاریخی ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی از زمان امپراتوری هخامنشی به این سو متعلق به یک حوزه تمدنی و بخشی از یک امپراتوری بزرگ همانند هخامنشیان، ساسانیان، سامانیان، سلجوقیان و حتی این اواخر صفویان بوده و تنها در دوره مدرن و عصر شکل‌گیری دولت-ملت‌ها این حوزه تمدنی از هم گسست. از دیدگاه فرهنگی نیز اگر به سبب‌های فرهنگی همچون زبان و ادبیات، آداب و رسوم و دین مردم این منطقه توجه کرد، خواهیم دید که دارای اشتراک و تفاهم بسیاری با فرهنگ ایرانی هستند. بنابراین، به جرات می‌توان گفت که منطقه آسیای مرکزی و کشورهای تشکیل دهنده آن بیش از هر حوزه جغرافیایی و تمدنی دیگری با ایران اشتراکات تاریخی و فرهنگی دارند و در مقابل، کشور ایران نیز در مقایسه با سایر مناطق در آسیای مرکزی دارای بیشترین و مناسب‌ترین ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای ارائه یک دیپلماسی عمومی موفق است.



## اهداف و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی است. با توجه به تعریف دیپلماسی عمومی و منابع و ابزارهای به کارگیری آن در سیاست خارجی و همچنین ظرفیت‌ها و فرصت‌های نهفته در منطقه آسیای مرکزی برای اجرای موفق دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، ضرورت اجرای دیپلماسی عمومی در این منطقه باید نسبت به دیگر اهداف جمهوری اسلامی ایران در اولویت قرار گیرد. در واقع، اجرای برنامه‌ریزی شده و هدفمند یک دیپلماسی عمومی موفق باید بستر مناسبی را برای موفقیت ایران در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در این منطقه فراهم آورد. بنابراین پژوهش حاضر، ضمن درک اهمیت و ضرورت این مسئله، در تلاش است تا با بررسی علمی و همه‌جانبه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه؛ به مطالعه دقیق‌تر بسترها، فرصت‌ها و موانع پیش رو و همچنین میزان اهمیت و موفقیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بپردازد.

## سؤال‌های پژوهش

### سؤال اصلی:

دیپلماسی عمومی از چه نقش و جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی برخوردار است؟

### سؤال‌های فرعی:

۱. دیپلماسی عمومی چیست و چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی تاکنون به چه صورتی پیگیری شده است؟

۳. ظرفیت‌های اجرای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی کدامند و با توجه به این ظرفیت‌ها، دیپلماسی عمومی ایران در این منطقه چگونه قابل ارزیابی است؟

### **فرضیه اصلی:**

جمهوری اسلامی ایران، اگرچه از ظرفیت‌های لازم جهت توجه و اجرای یک دیپلماسی عمومی موفق در این منطقه برخوردار است، ولی این نوع دیپلماسی اولویت اصلی این کشور در این منطقه نبوده است.

### **روش تحقیق پژوهش:**

در این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد. همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. در این چارچوب منابع اطلاعاتی همچون کتاب‌ها، نشریات، گزارش‌ها و وب‌سایت‌های اینترنتی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت. در مرحله اولیه کار، با دقت کلیه منابع و ادبیات پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار خواهند گرفت و سپس با تعیین سر فصل‌ها و زیرمجموعه‌های تحقیق، فیش‌برداری صورت می‌گیرد و در ادامه کار داده‌ها در راستای تایید فرضیه پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند و در پایان کار خلاصه پژوهش، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

### **پیشینه ادبیات پژوهش:**

منابعی که در مورد دیپلماسی عمومی در حال حاضر در کشورها وجود دارند، در چند سال گذشته از لحاظ کمی توسعه قابل توجهی داشته است. این منابع به دو گروه کلی قابل تقسیم است؛ یک گروه از منابع به طور کلی به بحث دیپلماسی عمومی، ابزارهای نظری، اهداف، منابع و ابزارهای آن پرداخته است، و دسته دوم به نقش و جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجه دارند. این دو گروه از منابع در سال‌های گذشته هم از جهت کیفیت پژوهش و هم از جهت کمیت و تعدد منابع در این زمینه پیشرفت قابل توجهی داشته است. در مورد منابع گروه نخست می‌توان به کتاب "دیپلماسی عمومی" با ویراستاری حسن قشقوای که متشکل از مجموعه مقالات مرتبط با دیپلماسی عمومی است اشاره کرد، در این کتاب نویسندگان در سه بخش، بررسی نظری، بررسی کاربردی، بررسی موردی به ابعاد گوناگون دیپلماسی

عمومی پرداخته‌اند. این کتاب اطلاعات جامعی در زمینه دیپلماسی عمومی به خوانندگان ارائه می‌کند. اثر دیگری که می‌توان از آن نام برد مقاله‌ای از ناصر هادیان با عنوان "جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی" است که ضمن پرداختن به مفهوم دیپلماسی عمومی و اهمیت آن به بررسی مخاطبان و بازیگران عرصه سیاسی پرداخته است. وی در ادامه ضمن بررسی شرایط تحقق یک دیپلماسی عمومی موفق به معرفی ابزارهای تاثیرگذار دیپلماسی عمومی پرداخته است. کتاب بعدی، کتاب "قدرت نرم" اثر نویسنده معروف جوزف نای است که ترجمه آن را سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری انجام داده‌اند و در سال ۱۳۸۹ به چاپ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) رسیده است. در این کتاب جوزف نای به چارچوب مفهومی قدرت نرم پرداخته است. کتاب مهم دیگری که در این زمینه به چاپ رسیده است کتاب "دیپلماسی عمومی نوین: قدرت نرم در روابط بین‌الملل" است که ژان میلسن و همکاران آن را به نگارش درآورده و توسط رضا کلهر و سید محسن روحانی به ترجمه رسیده است. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده و به بررسی دیپلماسی عمومی نوین از دیدگاه قدرت نرم پرداخته است.

اما در مورد منابع گروه دوم؛ می‌توان به کتاب "دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی" از سری پژوهش‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد که در سه بخش تدوین شده و بخش سوم آن با عنوان "ایران و دیپلماسی عمومی" از دو مقاله و یک میزگرد تشکیل شده است. چاپ نخست این کتاب در شهریور ۱۳۸۹ بوده و اطلاعات مفیدی به خوانندگان عرضه می‌کند. منبع دیگری که در این زمینه می‌توان بدان اشاره کرد کتاب "جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم" اثر محمودرضا گلشن‌پژوه منتشره در سال ۱۳۸۷ است که به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در آن پرداخته است. اما در مورد مبحث اصلی این پژوهش یعنی جایگاه دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی منابع محدودی به نگارش در آمده است که از جامعیت لازم نیز برخوردار نیستند. به عنوان مثال، می‌توان به مقاله مجتبی تویسرکانی با عنوان "تحلیلی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در مقایسه با خاورمیانه" اشاره کرد که اطلاعات جامعی در زمینه دیپلماسی عمومی ایران در آسیای مرکزی به دست نمی‌دهد.

همانطور که از بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد، در زمینه مطالعه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی با یک خلاء پژوهشی مواجه هستیم. اگر بار دیگر اهمیت موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه و به ویژه همگونی فرهنگی آن را یادآور شویم، این خلاء پژوهشی قابل اغماض و چشم پوشی نیست. بنابراین، یکی از وظایف مهم این پژوهش که آن را از سایر پژوهش‌های پیش گفته در این زمینه متمایز می‌کند، تمرکز موضوعی بر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی است. به هر حال، وظیفه دیگر این پژوهش در کنار یک کار پژوهشی راهگشا برای سیاستگذاری خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی، ارائه یک منبع جامع و مفید برای مطالعه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه است.

## **تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی پژوهش**

**دیپلماسی عمومی:** به برنامه‌های مختلفی اطلاق می‌شود که از سوی یک دولت با هدف ارائه اطلاعات و تاثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی کشورهای خارجی به منظور تامین منافع ملی آن دولت اجرا می‌شوند.

**آسیای مرکزی:** منظور از آسیای مرکزی منطقه‌ای است که در اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از پنج کشور قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان تشکیل شده است.

## **سازماندهی تحقیق**

پژوهش حاضر در برگیرنده پنج فصل است. فصل اول، کلیات پژوهش را شامل می‌شود که در برگیرنده بیان مسئله، سوال اصلی، فرضیه و ضرورت و اهمیت پژوهش است. فصل دوم، به چارچوب نظری پژوهش در قالب نظریه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم پرداخته است. فصل سوم با عنوان «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، به بررسی تعریف، ویژگی‌ها، اهداف، منابع و ابزارهای دیپلماسی عمومی پرداخته شده؛ و در بخش دوم جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل چهارم با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، به چگونگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران در منطقه آسیای مرکزی در قالب بسترها و موانع همکاری اختصاص یافته است. و در نهایت در فصل پنجم که فصل اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد با عنوان «بررسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی» به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، فرصت‌ها و ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی ایران در این منطقه پرداخته شده؛ و در بخش دوم به بررسی جایگاه و چگونگی دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آسیای مرکزی پرداخته است. در پایان پژوهش نیز نتیجه‌گیری کلی پژوهش ارائه شده است.

## **فصل دوم:**

# **چارچوب نظری: دیپلماسی عمومی و قدرت نرم**

## مقدمه

هدف از نگارش این فصل ارائه یک چارچوب نظری دقیق و قابل تبیین در زمینه دیپلماسی عمومی است. ضرورت و اهمیت یک چارچوب نظری مناسب در مطالعات حوزه علوم انسانی و به ویژه علوم سیاسی بر محققان این حوزه مطالعاتی پوشیده نیست. یکی از دغدغه‌های اصلی که یک محقق همواره در پژوهش‌های حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با آن مواجه بوده است، انتخاب یک چارچوب نظری مناسب برای تبیین و توضیح مسئله مورد پژوهش است. اگر چه در بسیاری از کارهای پژوهشی درک ضرورت و اهمیت چنین مسئله‌ای نادیده گرفته شده و یا گهگاه با اغماض چارچوب نظری مناسبی برای پژوهش‌ها انتخاب نمی‌شود، اما باید گفت که انتخاب یک چارچوب نظری مناسب که قابلیت تحلیل و واکاوی مسئله مورد مطالعه را در جای جای پژوهش داشته باشد، از ضروریات انکارناپذیر یک پژوهش علمی کارآمد است. بنابراین، پژوهش حاضر با دقت نظر تمام و پس از مطالعات اولیه در زمینه مبحث دیپلماسی عمومی، مناسب‌ترین چارچوب و مفهوم نظری برای تبیین، تحلیل و واکاوی مسئله مورد پژوهش خود را در مبحث «قدرت نرم»<sup>۱</sup> می‌بیند. از این رو، بخش نخست این فصل به منظور پاسخ به چرایی انتخاب قدرت نرم به عنوان چارچوب نظری پژوهش، به تعریف دیپلماسی عمومی و جنبه‌های مختلف آن پرداخته است و پس روشن شدن تعریف دیپلماسی عمومی، در بخش دوم فصل به بسط مفهوم قدرت نرم به عنوان ابزار نظری پژوهش پرداخته شده است.

## ۱. دیپلماسی

دیپلماسی را به عنوان فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌المللی و همچنین حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مسالمت‌آمیز تعریف و توصیف کرده‌اند. دیپلماسی در شکل کلاسیک آن محدود و مخفی بود ولی به مرور زمان به صورت آشکار و علنی درآمد. در روند گرایش دیپلماسی از حالت

---

<sup>۱</sup>. Soft Power

سری به علنی، عواملی چون بسط و گسترش روابط بین‌المللی، تحولات تکنولوژیک، همبستگی و وابستگی متقابل واحدهای سیاسی به یکدیگر، تعارضات ایدئولوژیک، توسعه وسایل ارتباط جمعی، اهمیت یافتن افکار عمومی، افول دیکتاتوریه‌های کلاسیک و ظهور دموکراسی‌های نوین نقش عمده‌ای ایفاء کرده‌اند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۸).

در نتیجه تحولات تکنولوژیکی و صنعتی، امروزه دیپلماسی و ارتباطات از اهمیت برجسته‌ای برخوردار شده‌اند. سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و سازمان‌های مسئول سیاست خارجی هر روزه انبوهی از پیامها را از اقصی نقاط جهان دریافت می‌کنند. در حالی که در گذشته و در عصر حکومت‌های خودکامه جایی برای مردم و افکار عمومی در دیپلماسی وجود نداشت و سلاطین و حکام بنا به صلاحدید خود تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کردند و به اجرا می‌گذاشتند، در دوران جدید حتی برخی از نظام‌های اتوکراتیک می‌کوشند برای مشروعیت بخشیدن به تصمیم‌های خویش حداقل نتیجه مذاکرات و داده‌های سیاست خارجی خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

از آنجایی که کشورهای مختلف در روند اجرای سیاست خارجی خود افکار عمومی را مورد نظر قرار می‌دهند، بنابراین افکار عمومی به طور فزاینده‌ای تبدیل به مخاطب دیپلماسی توسط دولت‌های گوناگون شده‌اند. این نوع دیپلماسی که از آن تحت عنوان دیپلماسی عمومی یاد می‌شود، در سال‌های اخیر روند روبه رشدی داشته است و همه دولت‌ها تلاش می‌کنند تا این نوع دیپلماسی را در سیاست خارجی خود لحاظ نمایند. در ادامه بحث به بررسی تعریف، اهمیت و ابعاد دیپلماسی عمومی پرداخته می‌شود.

## ۲. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، در چارچوب "قدرت نرم" می‌گنجد. مقوله قدرت نرم اولین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل در سال ۱۹۹۰ توسط جوزف نای درباره بازبینی ماهیت و نتایج

---

<sup>۲</sup>. Soft Power

<sup>۳</sup>. Joseph Nye



قدرت آمریکا مطرح شد. جوزف نای یکی از اولین صاحب نظرانی است که به وجود ارتباط میان قدرت نرم و دیپلماسی عمومی اشاره کرده است. وی در مقاله خود با عنوان "دیپلماسی عمومی و قدرت نرم" می گوید: دیپلماسی عمومی ابزاری مهم در زرادخانه قدرت هوشمند است. نای در توصیف قدرت نرم می گوید: رهبری و قدرت از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. قدرت در واقع، توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای بدست آوردن نتیجه دلخواه خود است و این امر از سه طریق انجام پذیر است:

- اعمال زور و تهدید
- ارائه مشوق
- جذب و متقاعد ساختن دیگران.

دیپلماسی عمومی اغلب به عنوان یک جریان اطلاعات یک طرفه تصویر می شود و در بهترین وضعیت به صورت دوطرفه ترسیم می گردد، اما اساسا با هدف اطلاع رسانی جنبه های مثبت یک کشور به مردمان خارجی صورت می گیرد، در واقع همانگونه که در شماری از کشورها پیداست، برخی از ابتکارات هوشمندانه که در این قالب به اجرا گذاشته می شود، کمتر از فعالیت های وزارتخانه های اطلاعات ارزیابی نمی گردد. شاید مختصرترین و روشن ترین تعریف ارائه شده از دیپلماسی عمومی در مقاله پل شارپ آمده است، درجاییکه دیپلماسی عمومی را این چنین تعریف می کند "فرآیندی که بوسیله آن ارتباطات مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و گسترش ارزش هایی که معرفی می شوند، تعقیب می گردد" (میلسن و همکاران: ۵۶-۵۳) در فرهنگ واژگان روابط بین الملل (منتشره سال ۱۹۸۵) توسط وزارت خارجی آمریکا، در تعریف دیپلماسی عمومی آمده است "دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است" و ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون است. از مفهوم دیپلماسی عمومی تعاریف گوناومی صورت گرفته است، گولیون، دیپلماسی عمومی را علت و معلول نگاه ها و دیدگاه های عمومی که طراحی و اجرای سیاست خارجی را تحت شعاع قرار می دهند معرفی می

---

<sup>۴</sup>.Smart Power

کند، دیپلماسی عمومی از منظر قدرت ها به برنامه های بوجود آمده، توسط یک دولت به منظور اطلاع رسانی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی در یک کشور دیگر تعریف شده است، در این تعریف سه محور نهفته است، (۱) دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی و رسمی آشکار و علنی است. (۲) مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه های خاص و یا عموم مردم جامعه در بطن یک ملت هستند. (۳) محورها و موضوعات مورد نظر در دیپلماسی عمومی در ارتباط با عموم مردم جامعه هدف، لحاظ میگردد، درحالیکه در دیپلماسی سنتی و رسمی موضوع هایی در ارتباط با رفتار دولت ها مدنظر قرار میگیرد. مرکز مورد دیپلماسی عمومی را تاثیر گذاری بر نگرش عمومی برای شکل دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین الملل می داند که منافع و گروه های خصوصی یک کشور با منافع گروه های خصوصی در کشوری دیگر، برقراری ارتباط با دیپلمات ها و فرستادگان به خارج و سرانجام فرآیندهای ارتباطات میان فرهنگی از جمله این دیپلماسی هستند. با توجه به تعاریف فوق می توان نتیجه گرفت که ایده و جوهر اصلی دیپلماسی عمومی، تاثیرگذاری بر افکار عمومی جهان، از طریق کنترل ایده ها، باورها، و هنجارها و در نهایت شکل دهی ایستارها و رفتارها در راستای اهداف مورد نظر است. (خسروی، جباری ۸۶-۸۵)

از سوی دیگر، جوزف نای معتقد است قدرت نرم و سخت باید مکمل و تقویت کننده یکدیگر باشند. در واقع قدرت نرم و سخت در تحقق اهداف مورد نظر از طریق تاثیرگذاری بر رفتار دیگران دو روی یک سکه محسوب می شوند. نای در این مورد معتقد است که ارائه تعریف از دیپلماسی عمومی به عنوان قدرت نرم متضمن برداشتی محدود از ارتباطات، متقاعد ساختن و یا تاثیرگذاری است و در برابر ابزارهای قدرت سخت همچون اهرم های سیاسی، اقتصادی و نظامی تعریف می شود. قدرت هوشمند استفاده همزمان از قدرت نرم و قدرت سخت است. ایجاد ائتلاف با هدف استفاده از مزایای همکاری و تعامل عنصر کلیدی قدرت هوشمند است (Zaharana, 2009(A): 4).

به باور نای، در سیاست بین الملل، منابعی که قدرت نرم تولید می کنند عمدتاً از ارزش هایی نشأت می گیرند که یک سازمان یا یک کشور در فرهنگ و سیاست های داخلی خود و همچنین در مناسبات با سایر افراد، سازمان ها و یا کشورهای دیگر اعمال می کند. در واقع دیپلماسی عمومی به مثابه فرایندی است که در آن

ارتباط مستقیم با مردم یک کشور به منظور پیشبرد منافع و تعمیم ارزش‌های ارائه شده شکل می‌گیرد (ژان میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۷). بنابراین بر اساس دیدگاه نای، دیپلماسی عمومی با استفاده از جذابیت‌های قدرت نرم، می‌تواند برای ایجاد اشتراک بین ارزشها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه این موارد سود جوید. جوزف نای منابع قدرت را به سه دسته تقسیم میکند: فرهنگ، ارزشهای بنیادین و سیاست‌ها (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

## ۲-۱. تعریف دیپلماسی عمومی

تاکنون تعاریف مختلفی از دیپلماسی عمومی ارائه شده است و نقشی که دیپلماسی عمومی در سیاست بین‌الملل ایفا کرده است بارها تغییر پیدا کرده است. اصطلاح دیپلماسی عمومی برای اولین بار در مدرسه فلچر دانشگاه تافتز حقوق و دیپلماسی در آمریکا در سال ۱۹۶۵ توسط آلموند گولون - زمانی که ادوارد آر مورو مرکز دیپلماسی عمومی را تاسیس کرد- به کار رفت و به این صورت تعریف شد: دیپلماسی عمومی با تاثیر افکار عمومی بر روی شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی در ارتباط است ([www.fletcher.tufts.edu](http://www.fletcher.tufts.edu)). با این تعریف، مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرایند ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی، همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث است (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۰).

اما در کاربرد معاصر، دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت یک دولت برای تاثیرگذاری بر مخاطبان خارجی به منظور پیشبرد اهداف خود اشاره دارد. به عنوان مثال، وزارت خارجه آمریکا دیپلماسی عمومی را به عنوان " برنامه‌هایی که با هدف ارائه اطلاعات و تاثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی کشورهای خارجی اجرا می‌شوند و از سوی دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند " تعریف کرده است ([www.rand.org](http://www.rand.org)) (. همچنین آژانس تبلیغات آمریکا دیپلماسی عمومی را، دیپلماسی از طریق درک توده‌های مردم بیگانه، دادن

---

<sup>۹</sup>. Tufts University Fletcher School of Law and Diplomacy

<sup>۶</sup>. Dean Edmond A. Gullion

<sup>۷</sup>. Edward R. Murrow

پیام برای آنها، فعالیت به منظور تاثیرگذاری بر آنها و توسعه گفت و گو میان شهروندان و نهادهای آمریکایی از یک سو و نهادهای بیگانه از سوی دیگر می‌داند که باعث تقویت منافع ملی ایالات متحده می‌شود (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۰)

دیپلماسی عمومی یک زمینه جدید در حوزه عمل و نظر است که توجه‌ها را در قرن پیش زمانی که دیپلماسی تحت سلطه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفت به خود جلب کرد. این وضعیت در طول دوره جنگ سرد مستحکم‌تر شد و این به دلیل تبلیغات شدید برای بدست آوردن حمایت در جهت توازن شکننده تسلیحات هسته‌ای و درگیری ایدئولوژیک برای قلب‌ها و اذهان مردم جهان بود. دیپلماسی عمومی در دوران جنگ سرد اشاعه دهنده مطالعات کثیری برای ابزارهایی بود که ابرقدرت‌ها و دولت‌های دیگر برای رسیدن به هدف‌هایشان از آنها استفاده می‌کردند. مرحله جدید در توسعه دیپلماسی عمومی بعد از ۱۱ سپتامبر و حمله تروریستی به واشنگتن توسط گروه القاعده آغاز شد (نیک آیین، ۱۳۸۸: ۳۶۵). تعریف‌های اولیه از دیپلماسی عمومی در دوره جنگ سرد بیشتر به اهداف دولت‌ها توجه داشته است. از دیدگاه گیفورد مالون، دیپلماسی عمومی عبارت از ارتباط مستقیم یک دولت با مردم خارجی با هدف تاثیرگذاری بر نحوه تفکر آنها و در نهایت تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های آنها می‌باشد (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۲). این تعاریف نشانگر درک محدود و دولت محور از دیپلماسی عمومی است. به طور کلی، قبل از دهه ۱۹۹۰ دیپلماسی عمومی یک نقش حاشیه‌ای و ابزاری در دستگاه‌های دیپلماتیک ملی داشت. سطح ارتباط آن با مردم محدود بود و با تبلیغات یا امور خارجی و یا دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای برابر دانسته می‌شد. فناوری‌های استفاده شده در آن "آنالوگ" بودند که جریان اطلاعات در آنها یک سویه است و قادر به تبادل حجم پایین اطلاعات هستند. این ابزارها در کنترل دولت‌ها بودند و به علت ارتباط یک طرفه، میزان تاثیرگذاری آنها پایین بود. اما از اوایل هزاره سوم میلادی، شاهد نوعی دگرذیسی و تحول در اصطلاح دیپلماسی عمومی و استفاده از واژه "دیپلماسی عمومی نوین" هستیم و این مفهوم به نحوی بازتعریف شده که با قلمرو عمومی جدید جهانی سازگار باشد. دیپلماسی عمومی نوین محصول ترکیبی از عوامل و متغیرها در دو حوزه و قلمرو عمومی از یک سو و دیپلماسی از سوی دیگر است. این نوع دیپلماسی ترکیبی از تحولات فناوری،

---

<sup>^</sup> - Gifford Malone